

The Geography of Caucasus, the Surviving Almanac of Naseri Era

Elham Malekzadeh *

Abstract

The geography of Caucasus is the name of an exclusive manuscript that Martiros Daudkhanov, the Russian language teacher of Dar-ol-fonun and the translator of Governmental publications, finished its translation from Russian to Persian in Jumada Al-Awwal 1287 AH. This manuscript includes not only a detailed yearbook of Caucasus, but also a description of social conditions of Tbilisi, the causes of Ague in that region and also a description of natural geography of Tbilisi and some other cities and villages in Caucasus in the second half of the nineteenth century. The contents of this manuscript consists of three chapters and a prologue containing intriguing and different subjects written about the natural and human geography, population, religious conditions, the ministry of education, road conditions and etc of Caucasus. Thus it is an important source of understanding the history and geography of Caucasus.

Keywords: Manuscript, *The Geography of Caucasus*, Caucasus Yearbook, Almanac, Tbilisi, Ague.

* Assistant Professor, Research Institute of Historical Sciences, Research Institute of Humanities and Cultural Studies, elhammalekzadeh@ihcs.ac.ir

Date received: 06/10/2022, Date of acceptance: 05/02/2023



جغرافیای قفقازیه، آلماناک بازمانده از عصر ناصری

الهام ملک‌زاده*

چکیده

جغرافیای قفقازیه^۱ نسخه خطی منحصر به فردی است که ماردروس داودخانوف (Martiros Daudkhanov)، معلم دارالفنون و مترجم دارالطباعه دولتی، آن را به فرمان ناصرالدین شاه از روسی به فارسی ترجمه کرد. کتاب جغرافیای قفقازیه سال‌نامه (آلماناک/ Almanack) مفصل قفقاز است که در سه فصل و یک مقدمه تدوین شده و مطالب متنوعی درباره جغرافیای طبیعی و انسانی شهرهای قفقاز، جمعیت، اوضاع مذهبی، و سازمان تعلیم و تربیت، و وضع راه دارد. از این رو، منبع مهم و درخور توجهی برای آشنایی با تاریخ و جغرافیای قفقاز به شمار می‌رود.

کلیدواژه‌ها: نسخه خطی، جغرافیای قفقازیه، سال‌نامه قفقاز، آلماناک، تفلیس، تب نوبه.

۱. مقدمه

با فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی در دسامبر ۱۹۹۱، تشکیل و برپایی جمهوری‌های گرجستان، ارمنستان، و آذربایجان در قفقاز جنوبی به درگیری‌های شدید قومی و سیاسی شدت بخشید و موجب حضور و دخالت دولت‌های مختلف در قفقاز شد. به‌ویژه آن‌که موقعیت ژئوپلیتیکی، تنوع قومی و زبانی، و توان‌مندی‌های بالقوه اقتصادی قفقاز برای رشد و توسعه توجه قدرت‌های بزرگ منطقه و جهان را به قفقاز جلب کرد و به‌لحاظ فرهنگی پژوهش‌های تازه‌ای درباره این منطقه در کانون‌های علمی جهان به‌انجام رسید.

در این میان، ایران نیز که به‌لحاظ تاریخی و فرهنگی نفوذ فراوانی در قفقاز داشت و روزگاری دراز قلمرو سیاسی و فرهنگی‌اش تا دربند و داغستان دامن گسترده بود، از

* استادیار پژوهشکده علوم تاریخی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، elhammalekzadeh@ihcs.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۷/۱۴، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۱۱/۱۶



دگرگونی‌های برآمده از فروپاشی اتحاد شوروی برکنار نماند و حضور خود را در منطقه تثبیت کرد. گذشته از هم‌جواری ایران با جمهوری‌های قفقاز جنوبی، که باعث برقراری روابط سیاسی، اقتصادی، و فرهنگی ایران با این جمهوری‌ها شده است، قفقازشناسی و مطالعات مربوط به این حوزه در ایران رشد چشم‌گیری کرده است و محققان ایرانی کتاب‌ها و مقالات فراوانی را تولید کرده‌اند که تصحیح و انتشار نسخه خطی *جغرافیای قفقاز* تلاش دیگری است در جهت غنی‌تر کردن هرچه بیش‌تر این حوزه مطالعاتی.

۲. معرفی نسخه

نسخه خطی *جغرافیای قفقاز* با شمارهٔ بازیابی ۱۰۰۰۲-۵ در بخش نسخه‌های خطی سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران نگه‌داری می‌شود. مطالب مندرج در این نسخه به‌خط نستعلیق خوش بر کاغذ فرنگی سفید لبه‌طلایی نوشته شده‌اند. جلد کتاب چرمی بنفش است و جدول زرکوب و ضربی دارد.

تزئینات متن شامل دو جدول خارجی که زرکوب و مشکی است و دیگر جدول داخلی که رنگ‌های زر، شنگرف، و لاجوردی در آن به‌کار رفته است. در سرلوحه نیز رنگ‌های زر، شنگرف، لاجوردی، و سبز با گل‌وبوته به‌کار رفته است و میان سطرهای دو صفحه اول طلاکوبی شده‌اند. تصویرهای کتاب همه حاشیه‌سازی شده‌اند. این نسخه هم‌چنین سه قطعه عکس الحاقی و یک جدول دارد که در آن زمان حرکت کشتی‌ها نوشته شده است. این کتاب ۲۹۲ برگ چهارده‌سطری دارد که اندازه هر سطر کامل آن تقریباً ۱۴۵ میلی‌متر است و هر چهارده سطر نیز در قطعی به‌اندازهٔ تقریباً ۲۴ سانتی‌متر نوشته شده‌اند.^۲

کتاب *جغرافیای قفقاز* از جمله کتاب‌های کتابخانهٔ سلطنتی یا «کتابخانهٔ اندرون» بود که بعدها به کتابخانهٔ بیوتات سلطنتی معروف شد. با تخریب کاخ‌های سلطنتی در روزگار حکومت رضاشاه، کتاب‌های کتابخانهٔ اندرون به وزارت دارایی که در محل کاخ‌های سلطنتی ساخته شده بود، منتقل شدند و پس از چندی به کاخ گلستان انتقال یافتند. با پیروزی انقلاب اسلامی، تعدادی از این کتب و نسخ، از جمله نسخهٔ *جغرافیای قفقاز*، به کتابخانهٔ ملی سپرده شدند و همهٔ کتاب‌های خطی در بخش نسخه‌های خطی این کتابخانه جای گرفتند. نسخهٔ خطی *جغرافیای قفقاز* نسخه‌ای منحصر به فرد است که تاکنون هیچ نسخهٔ دیگری از آن در کتابخانه‌های داخل و خارج از ایران شناسایی نشده است.

نسخهٔ *جغرافیای قفقاز* که موضوع اصلی آن «آلماناک قفقازیه» (سال‌نامه) است منبعی دست‌اول است مشحون از آگاهی‌های گوناگون دربارهٔ اوضاع و احوال سیاسی، اقتصادی،

اجتماعی، و مذهبی حوزه قفقاز، به‌ویژه گرجستان و داغستان. این نسخه، بنابر آنچه در انجام آن آمده است، به فرمان ناصرالدین شاه و به‌کوشش یحیی خان معتمدالملک و «به‌سعی و اهتمام و مواظبت ماردروس داودخانوف، مترجم و معلم درس زبان روسی» در دارالفنون از روسی به فارسی ترجمه شده است. داودخانوف دانشوری از ارمنیان اهل جلفا بود که برای دانش‌اندوزی به مسکو رفت و پس از تحصیل در دانشکده السنه شرقیه لازارف سن پترزبورگ به ایران بازگشت و شروع به تدریس زبان روسی در دارالفنون کرد. وی ۳۲ سال در این مدرسه تدریس کرد و ۲۶ سال نیز مترجم قزاق‌خانه بود. افزون‌بر تدریس و ترجمه در دارالفنون و قزاق‌خانه، چندی نیز در دارالطباعة دولتی و دارالترجمة خاصه مترجم متن‌های روسی و فرانسه بود (بامداد ۱۳۷۱: ج ۵، ۱۸۶-۱۸۷).

چگونگی آشنایی ناصرالدین شاه و یحیی خان معتمدالملک با کتاب *جغرافیای قفقازیه* آشکار نیست و نمی‌دانیم فرمان ترجمه آن چه هنگام به داودخانوف ابلاغ شد که او توانست کار ترجمه کتاب را در جمادی‌الاول ۱۲۸۷/ اوت ۱۸۷۰ به پایان رساند؛ زیرا در بخش پایانی کتاب فقط نوشته شده است:

حسب الامر قدر قدرت اعلی حضرت سلیمان حشمت شاهنشاه اسلام‌پناه، السُّلطان بن السُّلطان و الخاقان بن الخاقان، ناصرالدین شاه قاجار، خلد الله ملکه و ادام الله اقباله، به سعی و اهتمام جناب معتمدالملک ترجمه گردید. این کتاب *آلماناک قفقازیه* به‌سعی و اهتمام و مواظبت این بنده درگاه، ماردروس داودخانوف، مترجم و معلم درس زبان روسی مدرسه مبارکه دارالفنون، از زبان روسی به فارسی که مشتمل است بر بعضی از جغرافیای قفقازی و مختصری از تفصیل شهر تفلیس و شرحی از اسباب و جهت بروز نوبه و جهات دافعه آن در آن شهر، به تاریخ شهر جمادی‌الاول من شهر سنه ۱۲۸۷ هجری، مطابق شهر اوت من شهر سنه ۱۸۷۰ عیسوی سمّت اتمام پذیرفت.

باین‌همه، دور نیست معتمدالملک که روزگاری نایب سفیر ایران در پترزبورگ بود و پس‌از آن آجودان مخصوص و مترجم حضور ناصرالدین شاه شد، بر اثر دوستی با داودخانوف با این کتاب آشنا شد و سپس با تلاش او شاه نیز به وجود این کتاب پی برد و فرمان ترجمه آن را به فارسی صادر کرد. فصل‌بندی و سامان‌دهی *آلماناک قفقازیه* دقیق و منسجم نیست و پاره‌ای از مطالب جابه‌جا و به‌طور پراکنده نوشته شده‌اند که طی انجام تصحیح این نسخه همگی مرتب شدند و در جای خود قرار گرفتند.

آلماناک قفقازیه از سه فصل تشکیل شده است. پیش از این سه فصل، متن مفصلی «که مشتمل است بر بعضی از جغرافیای قفقازی و مختصری از تفصیل شهر تفلیس و شرحی از

اسباب و جهت بروز نوبه و جهات دافعه آن در آن شهر» نوشته شده است که عنوانی ندارد و می‌توان عنوان «مقدمه» را بر آن نهاد. این مقدمه درواقع مطالبی است درباره علل بروز بیماری نوبه در تفلیس و راه‌های مبارزه با آن. گویا داودخانوف از نظریه میکروبی لوئی پاستور (۱۸۲۲-۱۸۹۵) که ده سال و اندی پیش از ترجمه کتاب *جغرافیای قفقاز* طرح و تأیید شده بود خبر نداشت و به همین سبب به نقش میکروب در بروز و شیوع این بیماری اشاره‌ای نکرده است و علت آن را همان‌طور که نویسنده کتاب نوشته بود، در بخارهای مسمومی جست‌وجو می‌کرد که از بقایای پوسیده مواد آلی متصاعد و در همه‌جای تفلیس پراکنده می‌شدند. در این‌جا، نویسنده کتاب برای تبیین نظر خود مطالبی درباره اوضاع تفلیس و راه‌ورسم زندگی مردمان آن نوشته که بسیار جالب است و گوشه‌ای از تاریخ اجتماعی تفلیس را بیان می‌کند، چنان‌که مثلاً درباره رفتار مردم آن شهر نوشته است:

در خانه‌ها رسم نیست که زباله و خاک‌روبه را از خانه بیرون برند؛ مثلاً در هر خانه که هیزم می‌شکنند، اجزای صغار هیزم که بر زمین می‌ماند، جمع نمی‌کنند و مدتی که آن‌ها بر زمین ماند، می‌پوسد و هوا هم گرم است و باران هم بر آن‌ها می‌خورد. لهذا، بخارات مضره از آن‌ها متصاعد می‌شود و از این گذشته در آشپزخانه‌ها آن‌چه از مأكولات پس مانده و برنج و امثال آن‌ها که بعد از صرف غذا باقی می‌ماند، بر روی هم انبار می‌کنند و آن‌قدر بر روی هم می‌ماند، تا بپوسد و بعد از پوسیدن معلوم است که چه خواهد شد و ملاحظه کنید که در هر روز چه قدر از اجزای پوسیدنی، مانند میوه جات و نباتات و غیره، داخل تفلیس می‌شود که همه این‌ها مورث تعفن هواست و بدین جهت است که هوای تفلیس همه حبس که این فقره خوب معلوم می‌شود بر کوه‌نشینانی که داخل شهر می‌شوند.

و علاوه بر این‌ها چند کوچه دیگر هست که فقرای شهر مسکن دارند و همین سبب آن است بر این‌که آن کوچه‌ها چه قدر کثیف خواهد بود که آن‌چه زباله و خاک‌روبه در خانه‌های خود دارند، در کوچه می‌ریزند و آب‌های کثیف از بام‌ها در کوچه‌ها علی‌الانصال ریخته می‌شود که آن آب‌ها از کوچه [ای] به کوچه دیگر سیر می‌کنند تا این‌که گودالی پیدا کنند که در آن‌جا جمع شوند یا این‌که باران شدیدی بیاید که آن‌ها را ببرد و چنین باران هم در تفلیس کم است. پس لابد هوای متعفن از آن‌ها ساطع می‌شود و داخل کوچه گلولوینسکی می‌شود و از آن‌جا به کوچه دیگر و همین قسم گردش می‌کند تا این‌که باد شدیدی پیدا شود که آن هوا [را] به رود کورا براند؛ و خلاصه از این‌ها تجاوز کنیم، می‌توانیم گفت که همه کوچه‌ها این قسم است؛ چون‌که هیچ کوچه را جاروب نمی‌کنند و خاک‌روبه و آب کثیف هم متصل مانند کوچه‌های مذکور از داخل به خارج می‌ریزند و هیچ قدغن و نظمی در این باب مجری نیست و درحقیقت کوچه‌ها بالطبع چندان کثیف می‌باشند که از ریختن این کثافات هیچ مزیدبر علت نمی‌شود و این همه کثافت کوچه‌ها

درحقیقت به جهت این است که مفروش نیستند که اگر سنگ‌فرش می‌شد، خانه‌دارها میل نمی‌کردند که کوچه متقح را کثیف نمایند، ولی چه فایده که در تمام تغلیس قریب به ده کوچه بیش مفروش نیست و آن‌ها هم چندان خاک و گل بر روی سنگ‌ها جمع شده که هیچ معلوم نیست که مفروش است و در کوچه نیز رسم نیست که مردوها^۳ را بسازند و اگر هم کسی به چنین خیال افتد، طرح و قاعده معینی ندارد، هرکس به میل خود چیزی می‌سازد که وجودش کالعدم^۴ است.

بدین جهت همیشه در خود کوچه‌ها بخارات مضره متصاعد است، مگر این که مدتی مدید آفتاب بتابد و باران نیاید که کوچه‌ها خشک گشته رفع آن حرارت بشود و دراین صورت چندان گردوغبار در کوچه‌ها جمع می‌شود که گویا چاپارخانه ساخته شده، اما در سنه ۱۸۶۲ بر نوزده هزار و هفت صد و شصت و شش هزار ذرع سنگ‌فرش تغلیس سی صد و هفت هزار و چهار صد ذرع افزوده و کوچه‌ها تفاوت بسیار کرده و اگر همه ساله به این نهج^۵ پیش روند، احتمال کلی است که در مدتی قلیل جمیع کوچه‌ها مفروش و متقح شود، اما باوجود این همه معایب که برای کوچه‌ها ذکر کردیم، چون ملاحظه بازارها را کنیم، عفونات کوچه‌ها هیچ خواهد شد؛ به‌خصوص دکاکین و بازارهایی که در آن‌ها میوه‌جات و مأکولات فروخته می‌شوند که آن‌ها به‌حدی کثیف می‌باشند که شخصی که عادت به آن هوا نداشته باشد، به‌محض ورود در آن‌جا چنان متنفر می‌شود که هیچ خیالی ندارد، مگر فرار از آن‌جا؛ و هم‌چنین نیز در محلات [ی] که دکاکین بقالی و تنباکوفروشی و می‌خانه و امثال آن‌ها به قطار یک‌دیگر واقع‌اند، هریک کثافت مخصوصی دارند و صاحبان دکان گویا چنین گمان می‌کنند که هریک در شارع جلو [ی] دکان خود حقی دارند که آن‌چه از صبح تا به شام خاک‌روبه در دکانش جمع می‌شود در جلو [ی] دکانش می‌ریزد و اگر هم گوسفند و گاوی را بخواهد ذبح کند در همان‌جا ذبح می‌کند و هیچ منعی نیست و همین‌قدر رسم است که حیوانات درشت را مانند گاو و اشتر و امثال آن‌ها را پیش از طلوع آفتاب ذبح و نحر می‌نمایند، ولی حیوانات کوچک را، مانند بز و گوسفند و غیره، هر وقت و هر جا که بخواهند، می‌توانند ذبح نمود و اگر عابرین نتوانند نگاه کنند، باید چشم خود را بپوشند.

اگرچه هرکس تعجب می‌کند که چرا سلاخان این عمل را در جای مخصوص و در کنار رود کورا مرتکب نمی‌شوند که هم چشم خلق نمی‌دید و هم عفونت شهر تخفیف می‌یافت، اما خود ایشان که این ملاحظه را نمی‌کنند محض این است که مجبور نیستند. لهذا، به خود قدری زحمت راه هموار نمی‌کنند و ایضاً دو سبب دیگر هست در تغلیس که کسی ملتفت نیست، ولی مورثی کلی است به جهت مرض نوبه یکی آن است که رسم است قبرستان را در امکان مرتفعه قرار می‌دهند و معلوم است که هرچه آن زمین خشک باشد، در هر حال بدن میت خواهد پوسید و از قبور بخارات متعفن جزء هوا خواهد شد و آن هوا به جهت ثقل خود همیشه میل به مکان پست می‌کند و ساکنین اطراف از آن هوا استشمام

کرده به امراض مبتلا می‌شوند. چنین معلوم می‌شود که اهل تفلیس یا هر شهر دیگر که قبرستان را در مکان مرتفع قرار می‌دهند، درحقیقت، مکان خوب که هوای نیک دارد از برای اموات برگزیده‌اند و مکان خوش‌هوا را از برای زندگان و اگر چنین نبود که در تفلیس قبرستان را در کنار رود کورا قرار می‌دادند، بادهای شمالی نمی‌گذاشت هرگز آن بخارات به اهل شهر تأثیری کنند (نسخه خطی جغرافیای قفقازیه، گ ۳۷-۴۱).

ازاین گذشته، بررسی اسباب شیوع بیماری نوبه در تفلیس بهانه‌ای بود که نویسنده کتاب مطالب کوتاه و سودمندی درباره تاریخ و بنای تفلیس بنویسد. بنابر مطالعات نویسنده کتاب:

هزار و پانصد سال قبل‌ازاین، به‌جای تفلیس، قریه کوچکی بوده و ایرانیان در آن قریه قلعه محقری بنا نهاده ... بعدازآن سلاطین گرجستان آن‌جا را متصرف و آن قلعه را خراب کردند ... و بعد از استقلال سلاطین گرجیه در قرب چشمه آب گرم گوگرد بنای همین شهر را نهادند که موسوم شد به نیلیسی، یعنی آب گرم، و بعد از آن‌که روسیه آن شهر را متصرف شدند، اسمش تبدیل یافت به تفلیس.

نویسنده نسخه، پس از مقایسه تفلیس قدیم و تفلیس جدید از نظر وسعت و اوضاع شهر به‌لحاظ ساختمان‌ها و وجود باغ‌ها، نکته‌های مهم و درخور توجهی درباره عقاید عامه و رفتار جمعی مردم ارائه کرده است که نشان از دقت و توجه اوست به آن‌چه در اطرافش می‌گذشت، چنان‌که درباره عقاید عامه نوشته است: «عوام ما صدای رعدوبرق را که می‌شنوند می‌گویند ایلای یکی از انبیا در آسمان با کالسکه گردش می‌کند». هم‌چنین، درباره رفتار جمعی گروه از اهالی تفلیس یادآوری کرده است:

اهل دهات عادت کرده‌اند که متصل در کثافات غوطه‌ور باشند. مثلاً از آن قبیل در جلوی هر خانه زباله بسیار انبار کرده‌اند و هیچ‌کدام در بند پاکیزگی درب خانه خود نیستند و آن خاک‌روبه همین قسم می‌ماند تا این‌که به میل خود معدوم گردد و بدین واسطه ابخره مضره از آن‌ها متصاعد می‌شود و این تعجب است که کثافت ساکنین از مجاورت به اهل اروپ نیز تأثیر کرده، چنان‌که بعضی نمسه‌ها، که در آن‌جا مسکن دارند، آن‌ها هم مانند سایرین ابداً به فکر تنظیم و تنقیح حیاط و جلوی خانه خود نیستند، مگر به‌ندرت شخصی باسلیقه پیدا شود.

در جای دیگر تأکید کرده است:

اما باوجود این همه معایب که برای کوچه‌ها ذکر کردیم، چون ملاحظه بازارها را کنیم، عفونات کوچه‌ها هیچ خواهد شد؛ به‌خصوص دکاکین و بازارهایی که در آن‌ها میوه‌جات و مأكولات فروخته می‌شوند که آن‌ها به‌حدی کثیف می‌باشند که شخصی که عادت به آن

هوا نداشته باشد، به محض ورود در آن‌جا، چنان متنفر می‌شود که هیچ خیالی ندارد، مگر فرار از آن‌جا.

داودخانوف زبان فارسی را به‌خوبی می‌دانست. از مقدمه کتابش دربارهٔ تفلیس می‌توان دریافت تا چه‌اندازه در خواندن و نوشتن به فارسی ذوق و مهارت داشت. داودخانوف، برای بیان مطالب خود، از واژه‌ها و ترکیب‌های فراوانی بهره گرفته که تعدادی از آن‌ها را در معانی تازه‌ای به‌کار برده است که معلوم نیست آن‌ها را بر ساخته یا از جای دیگری اقتباس کرده است. نمونه‌ای از این دست واژه و ترکیب‌ها عبارت‌اند از: آتش‌خانه به معنی اسلحه گرم؛ خانه‌دار به معنی صاحب‌خانه؛ میل ملایم به معنی شیب کم؛ آثار طبیعی به معنی جغرافیای طبیعی؛ برگ‌رها به معنی برگ جداشده از درخت.

داودخانوف، به شیوهٔ تعدادی از نویسندگان متصنع و مغلق‌نویس عصر قاجار، تعدادی از کلمه‌ها را به‌روش جمع مکسر عربی جمع بسته که ممکن است فهمیدن معنی آن‌ها برای شماری از خوانندگان امروزی دشوار باشد؛ مثلاً عایق را که اسم فاعل است به‌صورت عمایق جمع بسته است و به معنی بازدارنده و مانع به‌کار برده است که درک معنی آن به‌آسانی ممکن نیست و شاید کسانی آن را جمع مکسر عمیق بخوانند.

داودخانوف، افزون‌بر استفاده از جمع مکسر، شیوهٔ جمع جمع، آن هم با «ات»، نیز به‌کار گرفته و کلمهٔ حوادث به حوادث تبدیل شده است. دستور خطی (رسم الخطی) که داودخانوف یا نویسندهٔ اصلی کتاب به‌کار برده شیوهٔ چسبیده و سرهم‌نویسی است، چنان‌که «می» (نشانهٔ ماضی استمراری و مضارع ساده)، حرف اضافهٔ «به» و اسم اشارهٔ «این» و «آن» را به جزء بعدی چسبانده و نوشته است: مینهد (می‌نهد)، آنسر (آن‌سر)، بمقصود (به‌مقصود). او همه‌جا به شیوهٔ پیشینیان، به جای «گ»، «ک» نوشته است و به همین سبب «گشته» را باتوجه به معنی و مفهوم جمله باید «گشته» خواند. هنگام جمع‌بستن واژه‌هایی که به «های» غیرملفوظ ختم می‌شوند، با نشانهٔ «ها»، «ه» را حذف کرده و مثلاً به جای «کوچه‌ها» نوشته است: «کوچه‌ها». چنان‌که پیش‌از این اشاره شد، آلماناک قفقازیه در سه فصل تدوین شده است که برای جداکردن هر موضوع از موضوع دیگر و دست‌یابی آسان به مطالب موردنظر، در تصحیحی که از آن به‌عمل آمد، فصل اول به شش بخش، فصل دوم به چهار بخش، و فصل سوم به نه بخش تقسیم شد.

۱.۲ فصل اول

در بخش اول این فصل، زیرعنوان «فهرست وقایع و حوادث غریبه که در سنهٔ ۱۸۶۱ در قفقازیه و در اطراف آن اتفاق افتاده اند»، فهرست روی‌دادهایی آمده است که نخستین آن‌ها

زلزله‌ای است که در ۱۵ ژانویه در حومه بادکوبه روی داد و آخرین آن‌ها نیز ثبت زمین‌لرزه‌ای است که در ۲۴ اکتبر در شهر پتیکورست (Ptikorest) رخ داد. در این فهرست کوتاه از هفت زمین‌لرزه و چند حادثه طبیعی دیگر، از جمله مشاهده ستاره دنباله‌دار و پیدایش یک جزیره طبیعی در دریای خزر، یاد شده است که به لحاظ زمین‌شناسی و دگرگونی‌های کف دریای خزر اهمیت شایان دارد.

هم‌چنین، در فهرست نسبتاً مفصلی «اسامی شهرها و امکنه متفرقه» مختلفی نوشته شده و در دو ستون دیگر که در برابر این فهرست قرار دارد «ایام و ساعات حرکت» و «ایام و ساعات ورود» نوشته شده است که نشان می‌دهد مسافرت و جابه‌جایی تابع نظم و قواعد مخصوصی بود.

جدول ۱.

اسامی شهرها و امکنه متفرقه	حرکت	ورود
به شهرتفلیس و به همه شهرهای دولت و آن سمت قفقاز به‌غیر از پوتی و سوخومی زوگدیدلی به اُزورگتی ^۶ از لاینسکی ^۷ به همه شهرهای قفقازیه و آن سمت قفقازیه از لارس ^۸ به همه شهرهای دولت و شهرهای آن سمت قفقازیه پست مخصوص از روسیه	ایام و ساعات	ایام و ساعات
	روز جمعه تا هفت ساعت عصر روز دوشنبه تا چهار ساعت عصر روز دوشنبه و چهارشنبه از شش تا هفت ساعت بعدازظهر هر روز	از ردودکاله (Redutkale) روز جمعه در شش ساعت بعدازظهر از اُزورگتی روز جمعه در شش ساعت بعدازظهر از استاوروپل روز سه‌شنبه و پنج‌شنبه در چهار ساعت و چهل و پنج دقیقه و سه ساعت و بیست دقیقه بعدازظهر روز سه‌شنبه و شنبه در سه ساعت و بیست دقیقه بعدازظهر
	ایام و ساعات	ایام و ساعات
از تفلیس پست سبک از روسیه از تفلیس پست سنگین از روسیه از تفلیس از لنکران به همه شهرهای دولت	روز دوشنبه تا دو ساعت از روز بالا آمده	روز دوشنبه و پنج‌شنبه در پنج ساعت و بیست و پنج دقیقه بعدازظهر روز جمعه در دو ساعت و پنجاه دقیقه بعدازظهر روز پنج‌شنبه و یک‌شنبه در چهار ساعت و چهل دقیقه بعدازظهر روز جمعه در ده ساعت و نیم بعد از دسته نصف شب روز چهارشنبه و شنبه در یازده ساعت و بیست و پنج دقیقه بعدازظهر روز چهارشنبه در ده ساعت و چهل و پنج دقیقه بعد از نصف شب

در بخش دوم، تحت عنوان «اخبار و اطلاعات در خصوص اوقاتی که معابر و جاده‌های مشهور جنگی گرجستان در جبال قفقازیه به جهت نزول برف و غیره مسدود گشته‌اند و باز شده‌اند از سنه ۱۸۵۱ الی سنه ۱۸۶۲» آگاهی‌های فراوانی درباره علل بسته‌شدن راه‌ها آمده است، اما آنچه مهم است اراده‌ای محکم و اقدامی اساسی برای بازکردن راه‌ها در مدتی بسیار کوتاه، مثلاً جاده‌ای در «صبح نوزدهم ماه فوریه از برف زیاد و بوران شدید مسدود» شد که بی‌درنگ «در بیست و پنجم همان ماه در وقت ظهر باز» شد.

بخش سوم مخصوص «بعد و فاصله مابین دو شهر تفلیس و استاوراپل و شهرها و بلاد معروف قفقازیه چه از شاه‌راه‌های پست‌خانه و چه از جاده‌های دیگر از روی ورست» است. جالب آن‌که نویسنده بر اثر دقت فراوان متوجه شد اخبار و اطلاعاتی که «در کتب آلماناک ما و درخصوص بُعد و فاصله‌های مابین شهرهای متفرقه» آمده است چندان درست نیست و براساس دگرگونی‌های فراوانی که در اوضاع و احوال قفقازیه به‌انجام رسیده، لازم است راه دیگری در پیش گرفت. این «قاعده و رسم جدید»ی که نویسنده سال‌نامه در پیش گرفت این بود که «فاصله‌های همه شهرها را تا به شهر تفلیس و استاوراپل» تهیه کرد و «فاصله‌های مابین منازلی که در آن سمت رود کوبان تازه برقرار شده» بود، مشخص کرد و تفصیل آن را در جدولی با سه ستون نوشت.

بخش چهارم این فصل مربوط به «قواعد پست‌خانه‌های قفقازیه» است. چنان‌که از همین عنوان پیداست، در این بخش عوارض مختلف راه، که برای رفت و آمد مسافران و کالاهای گوناگون وضع شده، آمده است؛ مثلاً اشخاصی که با کالسکه‌های خود یا با کالسکه‌های پست‌خانه آمدو شد می‌کنند باید از قرار عدد اسبانی که به کالسکه‌های خود می‌بندند، جهت هر ورستی از برای هر اسبی، کرایه‌ای که مقرر است دهند. «آن‌هایی که از برای امورات خود می‌روند از برای هر اسبی در هر ورستی چهار کوپک باید بدهند».

جدول ۲.

ورود	حرکت	اسامی پست‌خانه‌ها ^۹
ایام و ساعات	ایام و ساعات	آ
از تفلیس وارد می‌شود روزهای پنجشنبه و دوشنبه شش ساعت و پنجاه دقیقه بعد از نصف شب	یکشنبه و چهارشنبه تا وقت غروب هر که کاغذ یا امانتی دارد قبول می‌شود روانه می‌شود.	از شهر الکسندروف (Alexandrov) پست مخصوص به همه شهرها و امکنه واقع در امتداد جاده‌های پترزبورگ و چرنومورسک (Chernomorsk) و تا نخجوان در اسنوف ^{۱۰} و تاکاروک ^{۱۱} و اودسا و دارسوی (Darsuy)

در بخش پنجم، در فهرست مفصلی «ایام حرکت و ورود پُست در همه شهرها و امکانه متفرقه قفقازیه به ردیف الفبای روسی» نوشته شده است. پس از آن، قوانینی که «درخصوص مقدار وجه و نرخ معموله به جهت حمل و نقل کاغذ و امانت در همه شهرهای داخله و خارجه در پُست‌خانه‌ها استرداد» می‌شد، به تفصیل نوشته شده که همه آن‌ها حاکی از قانون‌مند بودن فعالیت پُست‌خانه در آن هنگام است و این که درباره جزئی‌ترین بسته‌های پُستی نیز قانونی وضع شده بود و مثلاً معلوم بود «از کاغذی که در آن بلیت‌های خزانه دولتی و یا تمشک و سایر اسناد که بر روی کاغذهای مهموره دولتی نوشته شده» است چه مقدار پول باید گرفته شود.

... ابتدای آمدوشد کشتی بخار کمپانی قفقاز و مرکورای در دریای خزر از اول ماه آوریل است و طول می‌کشد تا پانزدهم ماه اکتبر و از پانزدهم این ماه تا اول ماه آوریل باز ماه یک دفعه کشتی بخار از بادکوبه به همه بندرگاه‌های جنوبی دریا آمدوشد می‌کند. ایام حرکت کشتی از کنار دریا سیم^{۱۲} و هیجدهم هر ماه است و کشتی که از حاجی‌ترخان روانه می‌شود، به محض این که وارد بادکوبه می‌شود مسافرین و بارها را تحویل کشتی بخار دیگری می‌کند و مسافرین و بارهای آن را گرفته، مراجعت به حاجی‌ترخان می‌کند، و در عرض راه در همه بندرگاه‌های^{۱۳} عرض راه مدتی ایست می‌کند.

به غیر از این که هر ماه دو دفعه کشتی بخار از حاجی‌ترخان تا همه بندرهای جنوبی دریا آمدوشد می‌کند، از اول ماه آوریل تا پانزدهم ماه اکتبر، هر سوم ماه کشتی مخصوصی از حاجی‌ترخان عزیمت [بلوک؟] کاراکان می‌کند و مراجعت می‌کند.

ناظم کمپانی کشتی بخار قفقاز و مرکورای در حاجی‌ترخان ویکتور یمانویلوچ پلاتونوف (Viktor Emmanuilovich Platonov) است، و گماشته کمپانی در بادکوبه لیون کاسپارویچ یقولوف (Lion Kasparovich Yakulov) است، و در کنار جنوب دریا یکور واسیلویچ کرلیکوف (Igor Vasilovich Karlikov) است، و در تفلیس استپان الکسندروویچ بنزار (Stepan Alexandrovich Benzar) است.

در بخش ششم «حرکت و ورود کشتی‌های بخار کمپانی‌های قفقاز و مرکوری در بحر خزر» آمده است و در جدولی مقدار پولی که «به جهت اخبار تلگرافی در قفقاز از شهر تفلیس تا به پونی و شهرها و امکانه‌ای که در عرض آن خط تلگرافی واقع‌اند» دریافت می‌شد با ذکر جزئیات نقل شده و مثلاً مشخص شده است که درازای «یک خبر تلگرافی از یک کلمه تا بیست و پنج کلمه» چند کوپک باید پرداخت می‌شد. در جدول دیگری در همین بخش، بهای هشت نوع کاغذ که برای نوشتن عریضه استفاده می‌شد نوشته شده است.

۲.۲ فصل دوم

در بخش اول این فصل، فهرست کوتاهی دربارهٔ «وقایع عمده و معروفی که در مملکت قفقاز و آن سمت قفقازیه اتفاق افتاده» نوشته شده است: این روی داده‌ها به دو قسمت سال‌های «پیش از تولد حضرت عیسی (ع)» و سال‌های «پس از میلاد حضرت عیسی (ع)» تقسیم شده‌اند. روی داده‌های پیش از میلاد اندک‌اند و فقط ۳۱ روی داد را در بر می‌گیرند. این وقایع از ۲۵۰۰ سال پیش از میلاد که طوفان نوح (ع) در آن به‌وقوع پیوست شروع می‌شود و با تسلیم حال از سوی دولت رومن گرجستان به مهرداد پادشاه اشکانی در سال ۲۸ م پایان می‌پذیرد. بخش وقایع پس از میلاد بسیار مفصل است و از سال ۳۳ م که اوکار سلطان ایدس به آیین ترسایان درآمد آغاز می‌شود و با عزیمت کراف پاسکیویچ از قفقاز به پولون در سال ۱۸۳۱ م به پایان می‌رسد.

سنهٔ پیش از تولد حضرت عیسی (ع)

در سنهٔ ۲۵۰۰ طوفان نوح (ع)

در سنهٔ ۲۱۱۰ حایک^{۱۴} از مملکت خالدی^{۱۵} نقل مکان می‌کند و به دامنهٔ کوه‌های آرات آمده، بنای دولت ارامنه می‌کند و کارتلوس (Khalifin et al. 1977: 280) در کارتلی^{۱۶} متمکن می‌شود.

از سنهٔ ۱۷۴۰ تا ۱۷۳۰ شامیرام (Richmond 2008: 22) ولایت [ی] چند از دولت ارامنه متصرف می‌شود و دولت با پول رأی کلی تصاحب می‌نمایند.

در سنهٔ ۱۳۵۰ سفر شهر ارکوس^{۱۷} به گرجستان به‌جهت یافتن پوست طلای گوسفندی را. در سنهٔ ۷۴۸ پارویر (Parvir) بعد از سرنگون شدن سارداناپال^{۱۸} باز دولت ارامنه را برقرار می‌کند و از اسیری نجات می‌دهد.

در سنهٔ ۷۴۰ اول ظهور سلسله ارسرونی^{۱۹} که از اولاد سنکریم^{۲۰} که در ارمنستان متمکن شده بودند.

در سنهٔ ۷۲۰ یک گروهی از اسرای یهودی در مملکتی که حال مشهور است به گوریا^{۲۱} و لازستان^{۲۲} متمکن می‌شوند.

در سنهٔ ۷۰۰ اول ظهور سلسله باگراتونی (Bronshtein 2000: 30-34; Khalifin et al. 1977: 280) از طایفهٔ باگرات.^{۲۳}

بخش دوم دربارهٔ مجلسی است «که به خیال ترقی و ترویج عمل زراعت و صنایع مفیده متفرقه و شیوع اخبار و اطلاعات متعلقه به همهٔ اقسام کسب و صنعت» در ۲۷ فوریهٔ ۱۸۵۰، برپا شد. چگونگی فعالیت این مجلس، که برای رشد و توسعهٔ کشاورزی و صنایع کوچک از جمله قالی‌بافی و نمدمالی و شیشه‌سازی، و بخاری، و ... تأسیس شده بود، به تفصیل بیان شده و مقررات مربوط به آن نوشته شده است. یکی از قوانین موضوعهٔ این مجلس این بود که برای تشویق کشاورزان و صنعت‌گران نمونه، که موفق به تولید محصولات مرغوب و کالاهای صنعتی بی‌عیب و نقص و موردپسند شده بودند، جوایزی «از قبیل مدال طلا و نقره و مفرغ و توصیف نامه و پول نقد عطا» می‌شد.

بخش سوم «درخصوص خزانهٔ عام قفقازیه» است که برای سروسامان‌دادن به امور شهرهای قفقاز تأسیس شده بود. در این بخش، «در کیفیت و حالت خزانهٔ قفقاز در سنهٔ ۱۸۶۱» شرحی نوشته شده است و «مقدار وجوهاتی را که داخل خزانه شده» یا از آن خارج شده بود مشخص و قواعد و شروط آن تعیین شده‌اند.

بخش چهارم، در این بخش روزشمار روی‌دادها از سوم ژانویهٔ ۱۸۴۴ آغاز می‌شود و در دهم سپتامبر ۱۸۶۲ پایان می‌گیرد.

بخش پنجم «در توالد و تناسل و در تعداد موتی و تزویج» در میان «پیروان مذهب گرگ روسی و ارامنهٔ گریگوریانی و مسلمانان در قفقازیه و آن سمت در سنهٔ ۱۸۶۱» است و سپس «درخصوص تعداد مدارس و معلمین و متعلمین» و «تعداد مدارس روحانی و معلمین و متعلمین آن‌ها» این آمار و آگاهی‌ها کاستی‌ها و نادرستی‌هایی دارد که مؤلف خود به آن‌ها اشاره کرده و علل آن‌ها را برشمرده است.

جدول ۳.

در تولد و تناسل و در تعداد موتی و تزویج در مملکت قفقازیه و آن سمت قفقازیه در سنهٔ ۱۸۶۱						
پیروان مذهب	تولدشده		جمع	فوت‌شده		عقد و نکاح‌کرده
	ذکور	اناثیه		ذکور	اناثیه	
	نفر	نفر	نفر	نفر	نفر	نفر
پیروان مذهب گرگ روسی	۳۰۵۸۵	۲۸۹۷۴	۵۹۵۵۹	۲۷۶۶۴	۲۱۳۹۵	۴۹۰۵۹
۱۶۲۶۱						
پیروان لوتر ^{۲۴}	۱۲۸	۱۰۲	۲۳۰	۷۱	۷۴	۱۴۵
۴۵						

جغرافیای قفقازیه، آلماناک بازمانده از عصر ناصری (الهام ملک‌زاده) ۳۰۱

در تولد و تناسل و در تعداد موتی و تزویج در مملکت قفقازیه و آن سمت قفقازیه در سنه ۱۸۶۱						
پيروان مذهب	تولدشده		جمع	فوت‌شده		جمع نکاح‌کرده عقد و
	ذکور	اناثیه		ذکور	اناثیه	
	نفر	نفر	نفر	نفر	نفر	نفر
ارامنه گریگوری ^{۲۵}	۸۷۴۶	۷۸۶۰	۱۶۶۰۶	۳۸۴۶	۳۳۱۱	۷۱۵۷
ارامنه کاتولیک ^{۲۶}	۲۹۱	۲۷۱	۵۶۲	۱۰۷	۱۰۴	۲۱۱
یهود	۸۹	۹۰	۱۷۹	۷۲	۵۷	۱۲۹
مسلمان	۱۸۵۴۷	۱۹۷۱۵	۳۸۲۶۲	۱۳۸۰۴	۱۲۷۶۱	۲۶۶۵
مجموع همه	۵۸۳۸۶	۵۷۰۱۲	۱۱۵۳۹۸	۴۵۵۶۴	۳۷۷۰۲	۸۳۲۶۶
						۳۰۸۰۳

۳.۲ فصل سوم

این فصل به تهِ بخش تقسیم شد که عبارت‌اند از: «فهرست کارپردازخانه‌ها و دیوان‌خانه‌ها و امنا و رؤسا و سایر صاحب‌منصبان دولت در کل مملکت قفقازیه و آن سمت قفقازیه»؛
فهرست «کارپردازخانه‌ها و دیوان‌خانه‌های مخصوص انجام امورات مذهبی در کل مملکت قفقازیه و آن سمت قفقازیه و...»؛

فهرست «مدارس دولتی و رؤسای آن‌ها در مملکت قفقازیه»؛
فهرست «محکمه‌ها و اطبا در مملکت قفقازیه»؛
فهرست «قراول‌خانه و قرانتین و آن سمت قفقازیه»؛
فهرست «معادن و آن سمت قفقازیه»؛
فهرست «اسامی کارپردازان دول خارجی و سایر صاحب‌منصبان آن‌ها».

اسامی کارپردازان دول خارجه و سایر صاحب‌منصبان آن‌ها در شهر تفلیس

میرزا عبدالرحیم جنرال کنسول^{۲۷} و کارپرداز اول دولت علیه ایران است و میرزا عبدالوهاب‌خان نایب او و میرزا پارسخ ملیک میناسوف مترجم او هستند.
پرتو افندی جنرال کنسول و کارپرداز دولت عثمانیه است.
بوژوفینو (Bozhovino) کنسول دولت فرانسه است و دِترُمازیور (Determazyur) نایب اوست.
کارل کرامر دیکسن (Karl Kramer Dickson) کنسول دولت انگلیس در سوخومی و ردوت‌کاله است و روبرت ویلکنسون نایب کنسول پوتی است.

اسامی سفرا و سایر صاحب‌منصبان آن‌ها که از دولت بهیئه روسیه مأمور دول خارجه هستند.

در دولت علیّه ایران

میخائیل فیودوریچ بارتولومه (Mikhail Fiodorovich Bartolome) شارژ دافر^{۲۸} است و واسیلی ایوانوچ سوریوچین (Vasili Ivanovich Suryukin) مترجم اول اوست. ایوان الکسیوچ زینوویف (Ivan Alekseevich Zinovyev) جنرال کنسول موقتی در شهر تبریز است. نیکلای الکسندرویچ پاولوف (Nikolay Aleksandrovich Pavlov) کنسول گیلان است و واسیلی واسلیوچ گوسیف (Vasily Vasilyevich Gusev) کنسول استرآباد است.

در دولت عثمانیه

کینیاژ الکسی بوریسویچ لوبانوف - روستوسکی (Aleksey Borisovich Lobanov-Rostovsky) وزیر مختار و مخصوص از جانب اعلی حضرت امپراتور روسیه است. نیکلای ایوانوچ چریتانوف (Nikolay Ivanovich Cheritanov) جنرال کنسول در شهر اسلامبول است و ژوبی (Zhubi) کنسول ارزروم^{۲۹} و موشنین (Mushnin) کنسول در بیرون هستند و جیودیچ (Jyudich) نایب کنسول در باتومی (Batumi)^{۳۰} و میکلی (Mikelli) در سینوپا و مارکاروف (Markarov) در فارس هستند.

اسامی وزرا و امنای دول خارجه در دولت علیّه ایران

میرزا سعیدخان وزیر امور داخله است و ابراهیم‌خان وزیر عدلیه است و میرزا محمدخان وزیر جنگ و دوستعلی‌خان وزیر خزانه و پاشاخان وزیر حضور و شاه‌زاده علیقلی میرزا وزیر علوم و تجارت هستند.

نواب اشرف والا شاه‌زاده اعظم مظفرالدین میرزا حاکم مملکت آذربایجان است و سردارقلی عزیزخان وزیر اوست.

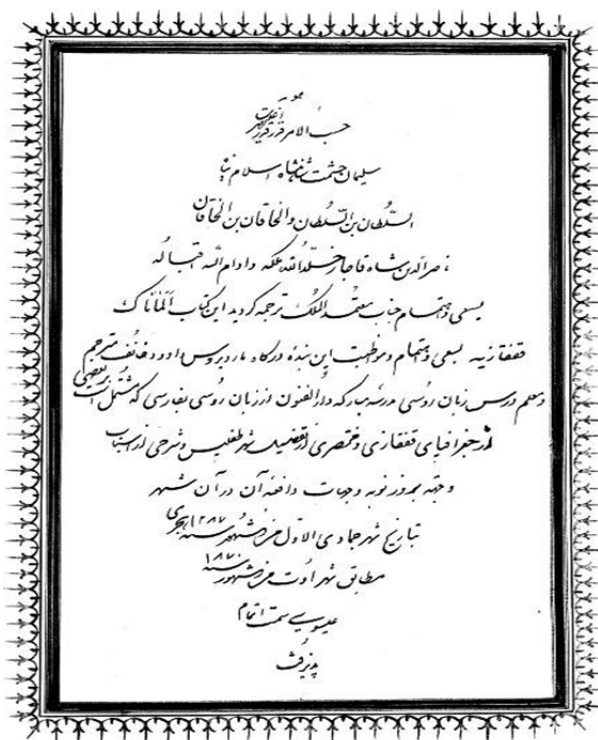
و میرزا عبدالوهاب خان مأمور به رسیدگی امور خارجه است. میرزا محمد حاکم استرآباد است و قاسم‌خان والی گیلان است... .

۳. نتیجه‌گیری

معارف‌پروری ناصرالدین‌شاه، تا آن‌جا که به حکومت فردی و استبدادی او لطمه نمی‌زد، باعث شد نسخه جغرافیای قفقازیه از روسی به فارسی ترجمه و سپس چاپ و منتشر شود. ترجمه

فارسی این کتاب، که مؤلف آن هم‌چنان ناشناخته مانده است، نسخه خطی منحصر به فردی در حوزه مطالعاتی قفقاز، به‌ویژه گرجستان و داغستان، است. مؤلف کتاب به‌بهانه نوشتن آلماناک (سال‌نامه) قفقاز، مؤلفه‌های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، و مذهبی این خطه را شناسانده است که از خلال مطالب آن می‌توان به پاره‌ای از علل دگرگونی‌های جغرافیایی منطقه قفقاز پی برد. هرچند ترجمه فارسی قسمت‌هایی از کتاب متصنع و مغلق است، نشانه‌هایی چند از شکل‌گیری نهضت ساده‌نویسی دوران مشروطه را در بر دارد.

این ساده‌نویسی که طلیعه آن در نثر داودخانوف آشکار است سبب شد مردم معمولی که سواد خواندن داشتند بتوانند جغرافیای قفقازیه را بخوانند؛ پیش از آن‌که کتاب احمد و مسالک المحسنین عبدالرحیم طالبوف و سیاحت‌نامه ابراهیم‌بیک چاپ و منتشر شود. گذشته از این، جغرافیای قفقازیه برای خواننده ایرانی روزگار قاجار کتاب بیگانه‌ای نبود؛ چراکه جابه‌جای آثار فرهنگ ایرانی در آن مشهود است. شاید به همین دلیل ناصرالدین‌شاه و یحیی‌خان معتمدالملک اهتمام ویژه‌ای برای ترجمه و انتشار آن داشته‌اند.



ضمیمه ۱. صفحه آخر نسخه خطی جغرافیای قفقازیه

پی‌نوشت‌ها

۱. جغرافیای قفقازیه عنوان نسخه‌ای خطی است که به‌عنوان طرح موظف نگارنده مقاله در سال ۱۳۹۲-۱۳۹۳ طی دوران مأموریت در مرکز اسناد فرهنگی آسیا تصحیح شد و به‌انجام رسید. در حال حاضر هم مراحل فنی انتشار را پشت سر می‌گذارد.
۲. در معرفی این نسخه که در کتاب‌خانه ملی ایران نوشته شده آمده است: «اندازه سطور آن ۱۷۵ × ۱۲۰ در قطع ۲۶۵ × ۲۰۰ است که نادرست است».
۳. متن اصلی: مرد روها. همان: مردرو «راه تنگ و معبر و گذرگاه» که در متن حاضر به‌معنای «پیاده‌رو» به‌کار رفته است.
۴. ممنوع، ممنوع‌شده.
۵. شبوه و روش.
۶. متن اصلی: اوزورکتی. تلفظ درست و اصلی: اُزورگتی Ozurgeti. نام شهر و مرکز شهرستان در گرجستان غربی.
۷. Labinsky: نام شهر و مرکز شهرستان در استان کراسنودار روسیه جنوبی.
۸. Lars: نام روستای مرزی بین گرجستان و روسیه در رشته‌کوه‌های قفقاز شمالی؛ گذرگاه لارس.
۹. متن اصلی: پست‌خانه‌ها.
۱۰. همان آسنوا Osnova.
۱۱. همان تاگانروگ Taganrog.
۱۲. متن اصلی: سیم.
۱۳. متن اصلی: بندرکاهای.
۱۴. Hayk: جد اسطوره‌ای ملت ارمنستان (برای اطلاعات بیشتر، بنگرید به Suny 1994).
۱۵. همان تمدن کلد (Chaldia) در دوران باستان در قسمت شرقی آسیای صغیر (برای اطلاعات بیشتر، بنگرید به Suny 1994; Khodzko 1851; Steinberg and Riasanovsky 2005).
۱۶. Kartli: نام اصیل استان مرکزی و عموماً کل کشور گرجستان (برای اطلاعات بیشتر، بنگرید به منابع فوق).
۱۷. منظور از سفر یونانیان با سرکردگی ایسون با کشتی آرگو به کلخیس پادشاهی گرجستان غربی (برای اطلاعات بیشتر، بنگرید به امیراحمدیان ۱۳۸۳؛ Bronshtein 2000).
۱۸. منظور از آشوربانی‌پال (Ashurbanipal) شاه آشور در سال‌های ۶۶۹-۶۳۳ پ‌م است (بنگرید به Elliott 2010).
۱۹. آرتسرونی (Artsruni) یکی از خاندان‌های اشرافی تاریخی ارمنستان در سده‌های سیزدهم تا چهاردهم میلادی (برای اطلاعات بیشتر، بنگرید به Suny 1994).
۲۰. سناخریب (Sennacherib) شاه آشور در سال‌های ۷۰۵-۶۸۱ پ‌م (برای اطلاعات بیشتر، بنگرید به Elliott 2010).

جغرافیای قفقازیه، آلماناک بازمانده از عصر ناصری (الهام ملک‌زاده) ۳۰۵

۲۱. Guria: نام استان در گرجستان غربی در سواحل دریای سیاه.
۲۲. Lazistan: منطقه‌ای در شمال شرقی آسیای صغیر.
۲۳. Bagrat: اسم خاص مذکر.
۲۴. در نسخه اصلی: لوتر. مذهب لوترانیسم، یکی از گرایش‌های پروتستانتیسم.
۲۵. در نسخه اصلی: ارامنه کریکورین. عنوان اصلی کلیسای ارمنستان «کلیسای ارتدوکسی کاتولیک ارمنستان» است، اما چنانچه کریگوری مقدس به عنوان بنیان‌گذار کلیسای ارمنستان محسوب می‌شود، در بسیاری از موارد خود کلیسای ارمنستان «کلیسای کریگوری» ذکر می‌شود.
۲۶. ارمنی‌های پیرو کلیسای کاتولیک روم.
۲۷. در نسخه اصلی: «جنرال قنسل» همان «سرکنسل».
۲۸. اصطلاح دیپلماسی. از فرانسوی Chargé d'affaires «نماینده رسمی». مبتنی بر مصوبه کنگره وین سال ۱۸۱۵ م به عنوان چهارمین سمت دیپلماسی پس از «سفیر»، «فرستاده رسمی»، و «وزیر مختار» مشخص شده است (بنگرید به Steinberg and Riasanovsky 2005).
۲۹. در نسخه اصلی: ارض روم. همه‌جا صحیح آن نوشته شد.
۳۰. شهر بندری مهم و مرکز استان آجارا در سواحل دریای سیاه گرجستان غربی کنونی که حدود سی صد سال دست عثمانی‌ها بوده است و بر اثر پایان جنگ روسیه و عثمانی سال‌های ۱۸۷۶-۱۸۷۸ م به امپراتوری روسیه واگذار شد.

کتاب‌نامه

- امیراحمدیان، بهرام (۱۳۸۳)، گرجستان در گذر تاریخ، تهران: مرکز بین‌المللی گفت‌وگوی تمدن‌ها.
- بامداد، مهدی (۱۳۷۱)، شرح حال رجال ایران، ج ۵، تهران: زوار.
- نسخه خطی جغرافیای قفقازیه، نسخه خطی محفوظ در کتابخانه ملی ایران، ش ۵-۱۰۰۰۲.
- Bolshakov, N. N. et al. (1960), *Scientific-Surveyor*, Moscow: Geodezizdat.
- Bronshtein, I. A. Simonia (2000), *History of Tiflis Observatory in XIX Century (1834-1880)*, *Istoriko-Astronomicheskie Issledovaniya*, Vyp. 25, G. M. Idlis (ed.), Moscow: Nauka Publishers.
- Elliott, Mark (2010), *Azerbaijan with Excursions to Georgia*, United Kingdom: Trailblazer Publications.
- Khalfin N. A., E. F. Rassadina, and N. B. Khanikov (1977), *Orientalist and Diplomat*, Moscow: Nauka Publishers.
- Khodzko, Iosif I. (1851), *On the Ascent to the Summit of the Great Ararat in 1850*, Tbilisi: Printing of the Office of the Viceroy General of Caucasus.

- Richmond, Walter (2008), *The Northwest Caucasus: Past, Present, Future, Central Asian Studies Series*, London and New York: Routledge Curzo Publishers.
- Shishov, Aleksey (2007), *Battle for the Caucasus*, Moscow.
- Steinberg, Mark D. and Nicholas Valentine Riasanovsky (2005), *A History of Russia*, Oxford University Press.
- Suny, Ronald Grigor (1994), *The Making of the Georgian Nation*, Indiana University Press.